سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۲۲ ■ دوشنبه ■ ۱۸ مهر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۱ | اذان مغرب ۱۷/۵۴ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ | اذان صبح فردا ۴/۴۴ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۷

سخن روز

امام رضا(ع):
عزت مؤمن در بی‌نیازی و طمع نداشتن به مال و زندگی دیگران است.
بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۰۹

عاشق هنرپیشگی‌ام

سعید امیرسلیمانی: امروز طولانی بودن نقش برای من در سن و سالی که هستم اصلاً اهمیتی ندارد. مثلاً اینکه بگویند نقشی داریم که ۶ یا هفت سکانس بیشتر نیست اما نقشی است که کسی جز شما نمی‌تواند بازی کند، برایم بسیار جذاب است. بعد از ۶۰ سال کار و سنی که امروز دارم، باید کاری کنم که برایم جذابیت زیادی داشته باشد. من بازیگرم و خودم را در چهارچوبی خاص حبس نمی‌کنم اما اگر نقشی را ببینم که جای کار دارد، هر نقشی و در هر ژانری که باشد را می‌پذیرم و توان درآوردن آن را دارم چون بازیگرم و باید یک نقش را دربیاورم. در پاسخ به این پرسش که انگیزه‌ام در این سن برای حضور در سینما چیست، باید بگویم که من عاشقم. من با هنرپیشگی عشق می‌کنم. در تئاتری که اخیراً با ایرج راد داشتیم از دل و جان کار کردم. بشدت لذت می‌بردم؛ اگرچه برای اجرای این تئاتر ۷۰ دقیقه سرپا بودم و عملاً بعد از ۷۰ دقیقه جنازه می‌شدم ولی تمام انرژی‌ام را گذاشته بودم چون عاشق این نقش و عاشق کارم بودم و هستم.

بخشی از گفته‌های بازیگر سریال «هزاردستان» در ایرنا

گاهی اوقات، مهم این نیست که چه چیزی را به دیگری عطا می‌کنی، مهم اینه که به خاطرش از چه چیزی دست می‌کشی.

سایه باد
کارلوس روئیث ثافون
علی صنعوی

نـــگاره
نیما شاه‌میری

کتاب، ضربان حیات

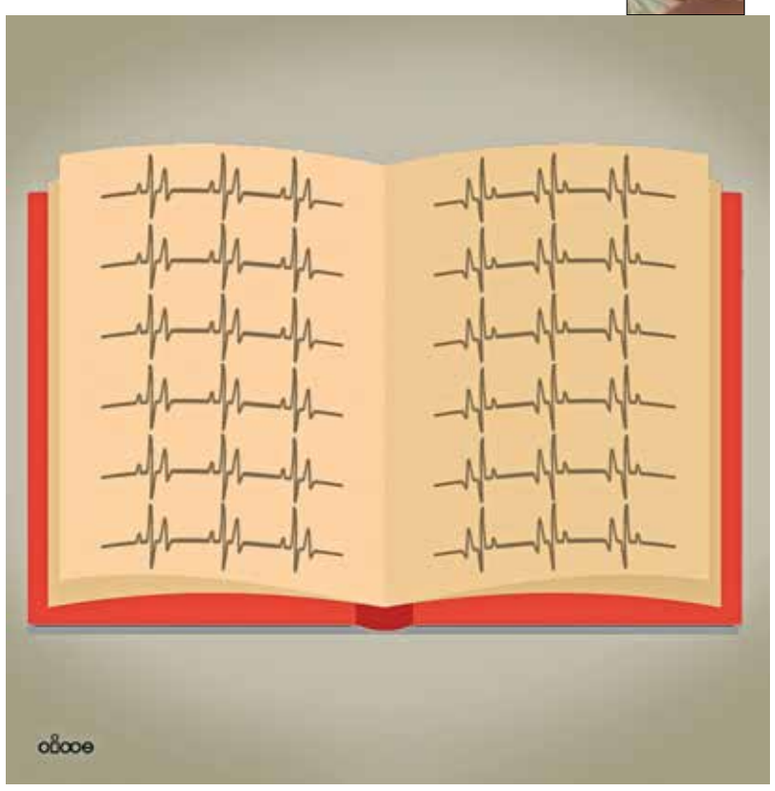

تئاتر، بازگوکننده وجوه متعالی و باشکوه انسان است

پنجره‌ای روبه دیوار

رضا آشفته
منتقد تئاتر

وقتی به‌دنبال تئاتر خوب می‌گردیم، باید بدانیم که این خوب و بد یا زشت و زیبا اطلاق کردن نمایش‌ها برآمده از تعاریفی نسبی، نشأت گرفته از آن چیزی هستند که دلخواه‌مان است. هرچند که به هر حال تحقق و جست‌وجو برای چنین خواسته‌ای نیز امری ضروری است چرا که انسان‌ها بنا بر ذوق و سلیقه و نگاه آرمان‌خواه خود همواره به‌دنبال در نظر گرفتن انتخاب میان نیازها و ضرورت‌های ذهنی و روانی‌شان هستند که این مسأله گزینش در هنر نمود بیشتری پیدا می‌کند. هنر وجوه متعالی و باشکوه انسان را تعریف می‌کند و اگر چنین خاستگاهی معلوم و روشن باشد آنگاه هنرمندان نیز در خلق و تولید آثار هنری خود در پی فراهم کردن چنین نیازی و پاسخگویی به چنین صورتی برخواهند آمد. بنابراین همانند یک کالای مصرفی، هنر نیز در قالب یک کالای فرهنگی هم تعریف پذیر است و هم با برخورد مخاطب‌شناسانه همراه خواهد بود. در تئاتر نیز گروه‌های اجرایی به‌دنبال تهیه و تولید چنین ضرورتی دست به کار می‌شوند، اینکه بتوانند بنابراین خصیصه‌های مطلوب انسانی، یک تولید برازنده را به روی صحنه بیاورند. پس بر اساس ذائقه و سلیقه مخاطبان است که تالارها و تماشاخانه‌ها می‌توانند دست به آماده‌سازی تولیدات متنوع و گونه‌های نمایشی متفاوتی بزنند. اما آنچه این تولیدات را در جایگاه خوب یا بد قرار می‌دهد دو عنصر مهم وجودی است. یکی شکل و ساختار و دومی محتوای نمایش‌ها است، محورهای مهمی که در طول تاریخ هنر تا به امروز قابل حذف نبوده‌اند. با این حال بنا بر خاستگاه زمانی و مکانی و اقتضائات اجتماعی و فرهنگی همواره این دو شاخص در حال تغییر و دگرگونی هستند. چنانکه در مقاطعی از تاریخ، هنر به سمت فرم‌گرایی و آن شعار مشهور هنر برای هنر رفته یا خواسته ضرورت اجرایی خود را بر پایه اصالت فرمی اثبات نماید اما این هم به معنای حذف محتوا نبوده است بلکه محتوا بیشتر در لفافه قرار گرفته تا شکلی اصیل‌تر پیدا کند و به نوعی بتواند هنری‌تر جلوه نماید و بیشتر از حد معمول توشه و توان ذهنی مخاطب را برای درک آثار هنری به کار گیرد. با این تعابیر، هنوز هم هنر و تئاتر خوب در همین حدود اشتراکات شکلی و معنایی نمود می‌یابند، هرچند که هیچگاه بدون وجود موارد یاد شده تئاتر نتوانسته خوب بودنش را بیان کند. با تکیه بر این موارد می‌توان دریافت که تئاتر نیز همچون دیگر هنرها در هر جایی از دنیا کماکان به‌دنبال ارائه و نمود ارزش‌های انسان‌شناسانه است؛ تئاتر با بهره‌مندی از یک محتوای چندلایه و در هم‌تنیده از ارزش‌های مهم برای آدمی، چه آنکه در لفافه بیان شده باشند و چه با صراحت بیان در قالبی چشمگیرتر عرضه شود در نهایت پیش‌روی مخاطبان قرار می‌گیرد. با توجه به ارکانی که قادر است جاذبه لازم برای دیده شدن و فهمیده شدن نمایش‌ها را فراهم سازد، آن هنگام است که هنر تئاتر نیز بتواند در کنار متر و معیارهای موجود شکل و پیکر خوب و زیبایی را شامل شود و مخاطب پس از دیدن یک اثر نمایشی از اعماق وجودش با اطمینان خاطر بگوید که یک کار خوب دیده است. یعنی یک تئاتر خوب ساخته شده و به روی صحنه رفته، البته این خوب بودن هم وابسته به تعداد مخاطبان متفاوت و رأی و نظرهای آنها است که ما را به یک قطعیت می‌رساند، به اینکه دقیقاً چه کاری و به چه میزان خوب جلوه کرده است وگرنه در شکل معمولش یک عده بر خوب بودن تأکید می‌ورزند و در مقابل، عده دیگری همان تئاتر خوب را تئاتر بد می‌دانند. با این همه معدل کل این نظرات می‌تواند هر دو گروه را به یک توافق برساند؛ توافقی که فارغ از سلایق موجود بتواند بگوید هر تئاتری که به روی صحنه می‌رود از چه جایگاه و رسمیتی برخوردار است.

عکس ترتیبی است

وقتی فروش اینترنتی کتاب به داد غیرپایتخت‌نشین‌ها می‌رسد

کلمه

عباس عظیمی
نویسنده

همانطوری که پیشرفت سریع تکنولوژی طی چند سال اخیر، بویژه از زمان شیوع کرونا تأثیر زیادی روی جنبه‌های مختلف زندگی گذاشته، حوزه کتاب و کتابخوانی هم از این پیشرفت‌ها و تغییرات بی‌تأثیر نمانده است. یکی از این تغییرات پر رنگ شدن خرید غیر حضوری کتاب در سال‌های اخیر است؛ آن‌هم به لطف فروشگاه‌های متعدد آنلاین کتاب که دسترسی آسان و سریع مخاطب به طیف متنوع و گسترده‌ای از موضوع‌ها و علایق را فراهم کرده‌اند. وب‌سایت‌های مؤسسات انتشاراتی که امکان رابطه بدون واسطه مخاطب و ناشر را و از آن مهم‌تر دسترسی دسته اول به تازه‌های هر ناشر را ممکن کرده است و این تغییرات تا آنجا پیش رفته است که حتی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هم بهار سال‌جاری به دو صورت حضوری و مجازی برپا شد. اتفاق خوبی در صنعت نشرمان که امکان خرید کتاب برای تمام افرادی که به هر دلیل موفق به حضور در نمایشگاه کتاب نشده بودند را از نقاط مختلف کشور فراهم کرد.

با این همه خود من به‌عنوان یکی از علاقه‌مندان جدی کتاب برای مدت‌ها در برابر خرید غیر حضوری کتاب مقاومت می‌کردم؛ به نظرم خرید کتاب به شکل حضوری و کلاسیکش یکی از لذت بخش‌ترین بخش‌های مطالعه است. مانند بسیاری از کتاب‌دوستان عاشق آن هستم که میان قفسه‌های کتابفروشی قدم بزنم، جلد و کاغذ کتاب‌ها را لمس کنم، چند صفحه‌ای بخوانم و آن وقت دست به انتخاب بزنم. یادم هست اولین مرتبه‌ای که خرید غیر حضوری کتاب را امتحان کردم دنبال کتاب اسطوره سیزیف آلبرکامو بودم؛ ترجمه مهستی بحرینی، نشر نیلوفر. فکر کنم چهار سال پیش بود. به سه چهار تا کتابفروشی شهرمان سر زدم و سراغ آن کتاب را گرفتم اما موفق به تهیه‌اش نشدم. کتابفروشی‌هایی که نسبتاً بزرگ هم هستند و تنوع عنوانی زیادی هم دارند، اما خب، کتابی که من دنبال آن بودم را نداشتند. اتفاقی که برای کتابخوان ساکن شهرستان گاهی پیش می‌آید. چند روز بعد، باز هم به کتابفروشی سر زدم، این بار هم فایده‌ای نداشت و موفق نشدم.

در ایران تنها تهران است که راسته مشهور کتابفروشی انقلاب را به آن وسعت دارد وگرنه کتابفروشی‌ها در شهرستان‌ها و شهرهای کوچک کم تعداد هستند، از طرفی عناوین تولید شده هم پر تعداد هستند و کتابفروشی کوچک نمی‌توانند تمام آنها را موجود کنند.

علاوه بر این سیستم پخش و توزیع گاهاً نامناسب کتاب، به این مشکل بیشتر دامن می‌زند.

آلبر کامو نویسنده ناشناخته‌ای نیست، همان‌طور که مهستی بحرینی مترجم ناشناخته‌ای نیست و البته انتشارات نیلوفر! اما خب، گاهی پیش می‌آید که کتابخوانِ دور از تهران به مشکل عدم دسترسی به کتاب مورد علاقه و نیازش دچار شود و این مشکل وقتی پر رنگ‌تر می‌شود که پای تازه‌های نشر، نویسندگان، مترجمان و یا عنوان‌های ناشران کمتر شناخته شده و یا عنوان‌های تخصصی و آنهایی که مخاطب خاص دارند به میان بیاید. سر آخر تسلیم شدم؛ سراغ اینترنت رفتم و با جست وجویی کوتاه کتاب مورد نظرم را در یک فروشگاه آنلاین کتاب پیدا کردم. خیلی سریع کتاب را سفارش دادم و سه روز بعد از طریق پست به دستم رسید، به همین راحتی!

روش‌های جدید تهیه و مطالعه کتاب، خرید غیر حضوری و همچنین برنامه‌های خرید نسخه الکترونیکی توانسته است تا حد زیادی کمبودها و اشکالات احتمالی در پخش و توزیع کتاب را برطرف کند و این کمک بزرگی به افزایش و ترویج فرهنگ کتابخوانی است.

امروزه هر مخاطبی از دورترین شهر و یا روستای کشور می‌تواند همزمان با تهرانی‌ها به تازه‌های نشر دسترسی داشته باشد و همچنین با صرف کمترین زمان کتاب‌های مورد علاقه و نیازش را تهیه کند.

من همچنان شیفته شیوه کلاسیک خریدن و خواندن کتاب هستم اما در مواقعی که لازم است هم از خرید غیر حضوری و هم این اواخر از خرید و مطالعه نسخه الکترونیکی کتاب استفاده می‌کنم و فکر نمی‌کنم جماعت کتابخوان هم، هر کجا که باشد هیچ وقت بیخیال شیوه خرید حضوری و کلاسیک کتاب از کتابفروشی شوند.

حرف کارت از «شنای پروانه» تا «یاغی»

پیشنهاد

امین معتمدی
فعال فرهنگی

حالا که بحث سریال «یاغی» (که به تازگی فصل اولش تمام شده) داغ است و خیلی‌ها درباره خوب و بدش حرف می‌زنند، بد نیست یک بار دیگر برویم سراغ اولین فیلم بلند محمد کارت یعنی «شنای پروانه» که به نظر، بسیار پرداخته‌تر و خوش‌رنگ و لعاب‌تر و البته قصه‌پردازتر است. پیرنگ هیجان‌انگیز فیلم «شنای پروانه» بیش از هر چیز نشان می‌دهد که این فیلم در ادامه بازخوانی‌های مکرر از مشکلات حاشیه‌نشینان، قائل به تفکیک طبقاتی بخشی از جامعه است و گویا این بازخوانی، قصد ادامه مسیری را دارد که در چند سال اخیر تحت عنوان «سینمای اجتماعی» از آن یاد می‌شود. نویسندگان فیلمنامه «شنای پروانه» در شکل دادن موقعیت‌های پیرامون شخصیت اصلی و همراهی تماشاگر با مضمون «جنون یک بودن» موفق عمل می‌کنند. اما بر خلاف آنچه در پیرنگ‌های شخصیت‌محور دیده می‌شود که همراهی تماشاگر با کنش شخصیت اصلی بهانه‌ای برای فراخوانی اوبه مضمونی واحد و یک رنگ است، در مهندسی پیرنگِ «شنای پروانه»، تمام انرژی روایت به دور نگاه داشتن تماشاگر از دانسته‌های نویسندگان معطوف است. گویی همواره تماشاگر یک گام پیش‌تر از شخصیت اصلی گام برمی‌دارد که این عملکرد، خاص پیرنگ‌های معمایی و سرگرمی ساز است. در واقع اینجا با فیلمنامه‌ای روبه‌رو هستیم که گاهی مجبور است کنش‌های درونی و بیرونی حجت را در مرکز نگاه تماشاگر قرار دهد و گاه داوری‌های اخلاقی را در مفاهیمی مثل «مرام و معرفت» برجسته سازد. از این‌رو سازمندی عناصر روایی دچار تناقضی آشکار می‌شود. نکته این‌جاست که اگر قرار باشد با گفتمان سازندگان فیلم «شنای پروانه» جامعه را به گروه‌های شمایلی تفکیک کنیم، پس اهالی سینما هم «سینمایی‌ها» خوانده می‌شوند. سینمایی‌ها در این گفتمان، هنردوستانی هستند که همواره یک انبار از امکانات گوناگون برای ایجاد جذابیت‌های دراماتیک در اختیار دارند. مثلاً در این گروه خاص، بازیگران همواره انبار تقلید و فرورفتن در نقش‌های خاص را به کمک تغییر چهره، صدا و لباس به دوش می‌کشند که در صورت نیاز از آن بهره کافی ببرند و نویسندگان انباری از تکنیک‌های فیلمنامه‌نویسی که بسته به نوع هدف‌گذاری سرمایه‌گذار و تهیه کننده فیلم و شناسایی تماشاگر، این تکنیک‌ها را در قالب‌هایی هیجانی، روانشناسانه، معمایی، ترسناک و... به کار می‌بندند. همین‌طور کارگردانِ فیلم نیز برای دریافت برچسب شمایلی خود، به انبار مهارت‌های برجسته‌سازی متکی است. او می‌تواند با ترفندهای مختلف و بسته به خواسته سفارش دهنده و با استفاده از ابزارهای سرگرمی سازِ سینما، نگاه تماشاگر را به رفتار هیجان‌انگیز شخصیت‌های فیلم «شنای پروانه» معطوف کند. همه اینها چه در متن و چه در برداشت و حرف فیلم چیزی است که فیلم را از سریال تازه تمام‌شده کارت متمایز می‌کند و هنوز هم می‌شود وقتی بحث و حرف از «یاغی» است به آنها که ندیده‌اند اول «شنای پروانه»‌ای را معرفی کرد که روی بستر درستی از قصه با حرف و پیام‌هایی درست پیش می‌رود و در نهایت مخاطب را به حظ بردن از سینما میهمان می‌کند.

■ شنای پروانه
■ نویسنده و کارگردان: محمد کارت
■ تهیه‌کننده: رسول صدرعاملی
■ محصول: ۱۳۹۹
■ بازیگران: جواد عزتی، طناز طباطبایی، امیر آقایی، علی شادمان و...

کارکرد برنامه تلویزیونی شیوه در حل مسأله مرجعیت ـ پیروان

یادداشت

داود مهدوی زادگان
رئیس سازمان «سمت»

دوست روشنفکری در تحلیل فتنه شهریور به من گفت که حاکمیت مرجعیت جوانان دهه هشتادی را از دست داده است که اینطور علیه او شوریده‌اند. به او گفتم اولاً اینطور نیست و جوانان ولایی لا تعد و لا تحصی هستند بلکه این روشنفکری ایران است که مرجعیت جوانان دهه هشتادی را از دست داده است. چون اگر قرار باشد روشنفکری مرجعیت قشری از جوانان را بر عهده داشته باشد، همین کسانی هستند که مرجعیت اندیشه دینی را نپذیرفته‌اند. در حالی که از کنشگری خشونت طلبانه در حوادث اخیر کاملاً پیدا است که آنان حتی از مرجعیت روشنفکری عبور کرده‌اند. بطوری که شورش این گروه، فاقد مرجعیت و رهبری است بلکه سلبریتی‌های هنری و ورزشی جای مرجعیت روشنفکری را گرفته‌اند. مگر اینکه روشنفکری ایران رفتار خشونت بار اغتشاشگران را مانند آتش زدن مأمور انتظامی و سوزاندن قرآن و مسجد، کشتن بسیجی و مأمور امنیت، کشیدن چادر و روسری از سر زنان عفیفه، عریان شدن در خیابان و مجبور کردن بازاریان و کسبه محل به بستن مغازه وغیره را تأیید کند.

آن وقت می‌توان گفت که روشنفکری مرجع این حرکت خشونت طلبانه است. اما آیا روشنفکری ایران حاضر است مرجعیت فکری چنین جریان آشوب طلبی را قبول کند!! حال اگر فرض کنیم که شرافت و وجدان روشنفکری ایران راضی نمی‌شود که نمایندگی و مرجعیت فکری اغتشاشگران و نه معترضان را بپذیرد و نیز فرض کنیم که آشوب طلبان، مرجعیت بیرونی هم ندارند؛ نتیجه این می‌شود که اولاً روشنفکری ایران در حوادث اخیر، فاقد پیروان و حواریون است. زیرا جماعتی که در خیابان حضور دارند، اغتشاشگرند و ثانیاً اغتشاشگران فاقد رهبری هستند.

پس، در اینجا، در یک طرف گروه مرجعی هست که پیروان ندارد. و در طرف دیگر، پیروانی هستند که مرجع و رهبر ندارند. از این مسأله با عنوان «بحران مرجعیت/ پیروان» یاد می‌کنیم.

اکنون می‌خواهیم به کارکرد فرهنگی سیاسی صدا و سیما بویژه برنامه شیوه شبکه چهار در حل مسأله مرجعیت/ پیروان اشاره کنیم. متأسفانه در چندین برنامه «شیوه» که تاکنون اجرا شده است، مسأله آشوب و اغتشاش‌های خیابانی و حجم خشونت آنها در مرکز گفت‌وگو قرار نگرفته بلکه بیشتر یا پس زمینه گفت‌وگو بوده یا اساساً نادیده گرفته شده است.

گویی آنچه در خیابان اتفاق افتاده جنبش اعتراضی مسالمت‌آمیز خشونت پرهیز است و در این بین، شبکه چهار به مثابه میانجی نمایندگان دو طرف را برای گفت‌وگو و تبادل نظر پیرامون راه حل‌های عبور از بحران دعوت کرده است.

نتیجه قهری این شکل از مدیریت برنامه شیوه آن است که روشنفکری صاحب پیروان می‌شود و پیروان بی‌سر، مرجع پیدا می‌کنند. اما این نتیجه‌گیری را تا کجا می‌توان تحمل کرد. اگر جماعت جوان اغتشاشگر از این طریق مرجع فکری پیدا کنند، ممکن است که از کنشگری خشونت طلبانه دست بردارند لکن مشروط بر آنکه روشنفکری هم اعمال خشونت طلبانه را نفی و طرد کند.

در این صورت، می‌توان از این دستاورد صدا و سیما به نیکی یاد کنیم. اما در غیر این صورت، برنامه شیوه دستاورد ناخرسندی خواهد داشت. چون دو سر و بدنِ ناهمگون را به هم اتصال داده است. مضافاً اینکه واقعیت عینی را به محاق برده است. اما راه حل مسأله آن است که مجری و شرکت کنندگان همواره در طول گفت‌وگو یکصدا رفتارهای خشونت‌آمیز را محکوم کنند. در غیر این صورت، مردم در وضعیت تردید و آشفتگی شناختی قرار می‌گیرند.

فضای مجازی

بازگشت یک فیلمساز زن بعد از ۱۱ سال دوری به سینما، اطلاعاتی از سریال‌های منتظر پخش و منتفی شدن ادامه ساخت یکی از سریال‌های محبوب نسل نوجوان در کنار بازتاب التهاب‌های اخیر بر سینما از جمله اخباری است که می‌توان در رصد فضای مجازی و رسانه‌ای آن را مشاهده کرد.

■ چهره روز

انسیه شاه‌حسینی پس از ۱۱ سال فیلم «دست ناپیدا» را برای شرکت در جشنواره فجر می‌سازد. این فیلمساز اخیراً برای فیلمنامه «دست ناپیدا» از سازمان سینمایی پروانه ساخت گرفته است. آن‌طور که سید سعید سیدزاده، تهیه‌کننده این فیلم به ایسنا گفته «دست ناپیدا» فیلمی در حوزه دفاع مقدس و کاملاً ارزشی است و به طور کامل در استان خوزستان ساخته خواهد شد. فیلم، یک قصه اجتماعی در میانه‌های جنگ و روایتگر ایثارگری یک قشر خاصی از جامعه در دوران جنگ است. شاه‌حسینی آخرین فیلمش را سال ۱۳۹۰ با نام «زیباتر از زندگی» ساخت و «پنالتی»، «شب بخیر فرمانده» و «غروب شد بیا» دیگر فیلم‌های او در دهه ۸۰ خورشیدی هستند.

محمود پاک‌نیت باور دارد ۴ سریال آماده پخش برای صداوسیما دارد که قابل رقابت با شبکه نمایش خانگی است. او با اشاره به اینکه در سریال‌هایی چون «گیلدخت»، «جشن سربرون»، «تب و تاب» و «سنجر خان» به ایفای نقش پرداخته که هنوز هیچ‌کدام از آنها به پخش نرسیده، به ایسنا گفته است: «شبکه نمایش خانگی جای خود را میان مخاطبان باز کرده و اکثر مردم آثار نمایش خانگی را دنبال و تماشا می‌کنند. علت آن نیز این است که قصه‌هایی که ساخته می‌شود قصه‌های بسیار خوبی است و فضای آن از صداوسیما بازتر است.»

■ خبر روز

«حکایت‌های کمال» از مجموعه‌های موفق تلویزیونی که سال ۹۸ از شبکه دو سیما پخش شد، قرار بود به‌عنوان سریال چند فصلی سرنوشت شخصیت‌های این قصه را روایت کند اما حالا تهیه‌کننده این سریال ادامه ساخت آن را منتفی دانسته است. این سریال به کارگردانی قدرت‌الله صلح‌میرزایی و تهیه‌کنندگی محسن شایانفر بر اساس مجموعه داستان «حکایت‌های کمال» نوشته محمد میرکیانی ساخته شده بود. تهیه‌کننده این مجموعه به مهر گفته است با توجه به تغییر سن بازیگران نوجوان این سریال دیگر امکان ساخت فصل دوم فراهم نیست. او درباره ساخت فصل دوم سریال «حکایت‌های کمال» که چند باری وعده آن مطرح شده بود، از سختی‌های برآورد مالی پروژه گفته و افزوده است: «چند سال از پخش سریال گذشته و آن بچه‌ها و نوجوانانی که در سریال به ایفای نقش پرداختند سن‌شان تغییر کرده است و بزرگتر شده‌اند و قاعدتاً نمی‌توان دیگر سریال را برای نوجوانان ساخت.»

■ چالش روز

در حدود ۱۸ روز اخیر فضای سیاسی و اجتماعی کشور درگیر التهابات بسیاری شده که این التهابات گریبان سینمای آسیب‌پذیر ایران را هم گرفته و در حالی‌که پس از شیوع ویروس کرونا کم‌کم سینماها به شرایط عادی نزدیک می‌شدند، اتفاقات اخیر باعث شد میزان مخاطبان سینما به حداقل برسد. اگر شروع تأثیر التهابات و ناآرامی‌ها بر سینما را از ۲۹ شهریور در نظر بگیریم، با بررسی فروش ۱۸ روزه فیلم‌های سینمایی از این تاریخ می‌توان کاهش چشمگیر میزان مخاطبان فیلم‌ها را در این مدت به وضوح احساس کرد. همایون فربد مدیر سینما معین مال در گفت‌وگویی با ایلنا، مهرماه را بدترین روزهای سینماهای ایران در یک سال گذشته عنوان کرده و محمد قنبری مدیر سینما مگامال هم ناآرامی‌ها، اختلال اینترنت و محدودیت‌های فضای مجازی را اصلی‌ترین عوامل کاهش مخاطبان سینما عنوان کرده است.

■ حرف روز

روح‌الله سهرابی مدیرکل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش فیلم سازمان سینمایی ضمن اشاره به برخی فشارها به اهالی سینما برای موضع‌گیری‌های خاص، تأکید کرد صف سینماگران دغدغه‌مند از معاندان جداست. او به مهر گفته است: «موضع سازمان سینمایی درباره این حوادث کاملاً روشن است، چنانکه تک‌تک مدیران سازمان از رئیس سازمان گرفته تا مدیران دیگر، از همان ابتدای امر وارد گفت‌وگو و تعامل با هنرمندان و سینماگران شدند تا ضمن تشریح اوضاع و تحلیل شرایط به وجود آمده، نسبت به مدیریت فضای به وجود آمده و عدم همراهی با برخی جریان‌های معاند و خطرناک مراقبت کنند. صف طیف گسترده‌ای از هنرمندان و سینماگران دغدغه‌مند و متعهد، از گروه محدودی که اساساً دغدغه‌ای جز اسم و اعتبار خود ندارند و مصلحت مردم آخرین چیزی است که به آن فکر می‌کنند، جداست و این امر نه فقط در این مقطع بلکه در تمام حوادث پیش از این هم مشهود بوده است.»

■ دیگه چه خبر

آیین بزرگداشت روز حافظ و رونمایی از نسخه خطی نفیس و هنری قدیمی دیوان حافظ، متعلق به سه قرن گذشته که به تازگی توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی خریداری شده است، برگزار می‌شود. این سازمان در آستانه روز بزرگداشت حافظ، مراسم بزرگداشت این روز را با سخنرانی حسن انوری، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در روز سه‌شنبه (۱۹مهرماه) ساعت ۱۰ در سالن فرهنگ مرکز همایش‌های بین‌المللی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار می‌کند. براساس این خبر، رونمایی از نسخه خطی نفیس و هنری قدیمی دیوان حافظ، متعلق به سه قرن گذشته، دیگر برنامه این نشست خواهد بود. این در حالی است که تذهیب‌های هنری و ۹۴ نگاره مرتبط با ابیات در هر صفحه، از جمله ویژگی‌های این نسخه قدیمی است.

عکس نوشت

اثری از «فرنان لژه» نقاش سبک کوبیسم فرانسوی کشف شد. این اثر ارزشمند که «دودی بر پشت بام» نام دارد بیش از یک قرن در پشت یکی از آثار این هنرمند مخفی بوده است. به گفته کارشناسان، این تابلو نقطه عطفی در کارنامه هنری «لژه»، هنرمند پاریسی (همدوره پیکاسو) به شمار می‌آید. این نقاشی از ۱۹ نوامبر تا ۲ آوریل در موزه «کرولر مولر» در هلند به نمایش گذاشته خواهد شد. /ایسنا